

# خانواده و پادشاهی جهانی (حافظ) اخلاق جنسی مطلق،

## الگوی صلح ایده‌آل مطلق خدا است

بیست و یکم و نوامبر دوهزار و شش - ششمین سال چان ایل گوک  
نمایشگاه بین‌المللی کره (کینتکس)، شهر گیانگ کره‌ی جنوبی

رهبران محترم از تمامی سطوح زندگی، سفیران محترم صلح و خانواده‌های برکت گرفته در سراسر دنیا و مهمانان گرامی داخلی و خارجی! امروز، روز بچه‌ها، روزی بسیار با اهمیت در تاریخ مشیت الهی است، که از زمان اولین اعلام آن چهل و هفت سال می‌گذرد. در جهت تکمیل هدف آفرینش خدا که بواسطه سقوط آدم و حوا یعنی اولین اجداد بشری از دست رفت، در دوره‌های بازسازی از طریق غرامت چهار رویداد بزرگ وجود دارد که باید به آنها دست یافته و آنها را بنا نهاد، که از این قرارند: روز خدا، روز والدین، روز بچه‌ها، و روز مخلوقات. ، بدنبال پیروزی تاجگذاری خدا در سال دو هزار و یک و آغاز مشیت چان ایل گوگ (پادشاهی خدا) که در زمان مراسم ورود به قصر صلح، و مراسم تاجگذاری در ماه ژوئن امسال اعلام شد، این اولین برگزاری عمومی مراسم روز بچه‌های راستین، یکی از چهار رویداد بزرگ مشیتی است.

برای گرامیداشت این روز مهم و تجدید عهد و پیمان از جانب ما، مایل هستیم تا در اینجا کلام خدا را تحت عنوان "خانواده و پادشاهی جهانی (حافظ) اخلاق جنسی مطلق، الگوی صلح ایده‌آل مطلق خدا است" که خلاصه‌ای از پیامهایی است که من از جانب خدا در طی سال گذشته به شش و نیم میلیون نفر در سراسر دنیا ابلاغ کرده‌ام. این پیام تذکر دوباره‌ای در مورد نقش و مأموریت شما از دیدگاه مشیت الهی و اهمیت عهدی است که در آن زندگی می‌کنید.

این سخنان، کلام زندگی است که صد و بیست تن از رهبران مذهبی که آنها را بطور مستقیم از والدین راستین دریافت کرده و هم اکنون در صد و بیست کشور دنیا در حال اعلام آن هستند. بر پایه‌ی تور سخنرانی جهانی انجام شده از طریق سه نسل از اعضای خانواده‌ی والدین راستین که از طریق پیام خدا و برکت راه نجات را برای بشریت گشوده است، رهبران مذهبی بعنوان نماینده‌گان حوزه‌ی قابیلی دنیا با دریافت چوب (اشاره به چوب دوندگاه دو امدادی) در حال سفر به گوشه و کنار دنیا هستند.

### ظهور فدراسیون صلح جهانی

خانمها و آقایان، بشریت در طول تاریخ تنها با تلاش برای تاسیس صلح متمرکز بر انسان به پیش رفته است. یک مثال بارز آن درگیریهای دموکراسی و کمونیسم است: از لحاظ بیرونی تفاوت بین این دو، در میزان برسمیت شناختن و تضمین آزادی و حقوق فردی است اما از نقطه نظر مشیت الهی، آنها بسان دو فرزندی هستند که والدین خود را از دست داده‌اند. این دو به ترتیب در دو جایگاه قابیل و هابیل قرار گرفته و در تله‌ی درگیریهای برادرانه بدام افتاده‌اند.

فعالیتها برای ایجاد صلح متمرکز بر انسان ناقص همواره در طول تاریخ بطور اجتناب ناپذیری با یک پایان اجباری روبرو شده‌اند. به همین دلیل سازمان ملل اگر چه با یک رویای باشکوه برای تحقق صلح جهانی آغاز بکار کرد، اما امروز به محدودیت ذاتی خود اقرار کرده و اعتراف می‌کند که نمی‌تواند برای بشریت امیدبخش باشد. دلیلش آن است که سازمان ملل در دوران قبل از ظهور پادشاهی بهشتی آغاز به کار کرد، یعنی زمانی که خدا نمی‌توانست بطور مستقیم مشیت الهی آشکار شده در تاریخ را هدایت کند.

در نتیجه، اکنون برای تحقق دنیای ابدی ایده‌آل صلح خدا، این فدراسیون صلح جهانی است که در جایگاه هابیلی سازمان ملل در مقام قابیل، می‌تواند در سطحی نوین نمایشگر بعد تازه‌ای از عملکرد پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح باشد. اکنون برای این فدراسیون بطور کامل این امکان وجود دارد که در همراهی با شما مأموریت خود را در جهت اتحاد بهشت و زمین و تشکیل

پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز به انجام برساند چرا که نماینده‌ی پیروزی خدا و ثمره‌ی اشک، عرق و خون والدین راستین و امید‌ی گرمی بخش برای شما عزیزان است. در جهت نوسازی سازمان ملل و ارائه‌ی رهبری برای حاکمیت صلح جهانی، این فدراسیون بعنوان نماینده‌ی چنان ایل گوگ در برابر سازمان ملل نوع قابیلی کنونی، دارای ماموریت پادشاهی‌هایی است. بنابراین لطفاً به خاطر بسپارید که تاسیس سرزمین واقعی خدا یعنی همان دنیای ایده‌آل آفرینش خدا، ماموریتی بهشتی است که به شما رهبران جهانی اعطاء شده است.

### هدف آفرینش خدا

رهبران محترم جهانی، فکر می‌کنید که هدف نهایی خدا از آفرینش انسان چیست؟ بطور ساده، هدف خدا تجربه‌ی شادی از طریق ارتباط با خانواده‌های ایده‌آل لبریز از عشق راستین است. در این صورت یک خانواده‌ی ایده‌آل به چه شکلی است؟ نخست اینکه افراد هر کدام باید سرور و مالک عشق شوند. خدا در زمان آفرینش، اولین انسان، آدم را بعنوان نماینده‌ی تمامی مردان و حوا را بعنوان نماینده‌ی تمامی زنان آفرید، با این نیت که آنها مالکین عشق راستین بشوند. در این صورت، برای آنها سریعترین راه در جهت نیل به مقام سرور عشق چیست؟ بطور خلاصه، سریعترین راه برای ترویج شخصیت عشق راستین، تضمین رابطه‌ی والدین- فرزند با خدا است که بدینوسیله می‌توان به او بعنوان پدر ملازمت کرد. یعنی اینکه این راهی است که در آن می‌توان با تاسیس یک خانواده و در همراهی با خدا در لذت و شادی زیست.

بدین‌ترتیب خدا آدم و حوا را آفرید و در جهت تشکیل خانواده‌ی الگو و تاسیس ایده‌آل صلح، آنها را در مقام اولین اجداد بشری قرار داد. او خود را بطور کامل برای بزرگ کردن آنها بعنوان پسر و دختر خود، در پیوند به خود از طریق عشق راستین، زندگی راستین و نسب خونی راستین فرو گذاشت.

خانمها و آقایان، تاسیس خانواده‌ی ایده‌آل الگوی صلح‌آمیز برای آدم و حوا امری الزامی بود. یعنی خداوند قادر متعال، انسانها را بعنوان فرزندان خود بگونه‌ای آفرید تا بتواند ارزشهای مطلق را بر اساس استاندارد مطلق در درون آنها بنشانند. بنابراین برای تحکیم راه بهشتی، بشریت باید از استاندارد مطلق تبعیت کند. این بدان معنا است که ما باید پیرو دوره‌ی مقدر شده‌ی زندگی برای همراهی با خدای قادر متعال، بعنوان والدین خود باشیم. از سوی دیگر، برای اینکه انسانها بتوانند در همانندی با خدا، خود را به کمال رسانده و مردم با شخصیتی بشوند که بتوان آنها را پسران و دختران قادر مطلق نامید، باید از راهی بر اساس استاندارد مطلق تعیین شده از جانب خدا پیروی کنند. در این میان مهمترین آن استاندارد اخلاق جنسی مطلق می‌باشد.

### اخلاق جنسی مطلق

اولین گام، حفظ اخلاق جنسی مطلق، بعبارت دیگر حفظ استاندارد پاکدامنی مطلق قبل از ازدواج می‌باشد. ما بدنبال تولد از یک دوره‌ی رشد طی طریق می‌کنیم. ما دوره‌ی طفولیت و کودکی را در یک محیط بسیار امن و مطمئن تحت نظر عشق و حمایت والدین سپری می‌کنیم. پس از آن وارد دوره نوجوانی می‌شویم که نشانه‌های از شروع یک زندگی تازه و پرتکاپو با پیشروی در ایجاد روابط در سطحی کاملاً تازه با افراد پیرامون خود و همچنین با تمامی مخلوقات آفرینش است. این لحظه‌ای است که ما در آن بطور دورنی، از طریق کمال شخصیت و بطور بیرونی با نیل به بلوغ سفر برای یک انسان مطلق شدن را آغاز می‌کنیم. با این حال، در این زمان یک پیش شرط مطلق وجود دارد که تمامی انسانها بدون استثناء باید آن را حفظ کنند که این همان پاکدامنی است. پاک‌ی جنسی بر پایه‌ی الگوی اخلاق جنسی مطلق برای بشریت شرط ضروری است که خدا آن را به عنوان مسئولیت و وظیفه‌ی مقدر شده به فرزندان اعطاء نمود، تا برای تکمیل ایده‌آل آفرینش به انجام برسد. بنابراین این راه بهشتی، همان راه برای تکامل الگوی اخلاق جنسی مطلق می‌باشد.

آن تنها کلام و فرمان چه بود که خدا بدنبال آفرینش به آدم و حوا، اولین اجداد بشری داد؟ و آن فرمان و برکتی برای حفظ استاندارد اخلاق جنسی مطلق تا زمان موافقت خدا برای ازدواج آنها بود. آن آیات کتاب مقدس که می‌گوید روزی که آدم و حوا از میوه‌ی معرفت خوب و بد بخورند بطور حتم خواهند مرد، درواقع اشاره به همین نکته دارد. اینکه آنها می‌بایست بعنوان فرزندان راستین با حفظ پاکدامنی قبل از ازدواج، با برکت الهی ازدواج نموده صاحب فرزندان راستین شده، خود به مقام والدین راستین نائل شوند. این موضوع تأکیدی بر جدائی ناپذیر بودن اصل آفرینش خدا از اخلاق جنسی مطلق می‌باشد. برآستی کسی نمی‌دانست که اگر آنها از خوردن آن میوه خودداری می‌کردند و ناظر فرمان خدا می‌شدند، می‌توانستند خصوصیات خود را کامل کرده و

بعنوان مشارکان در آفرینش در کنار خدای آفریننده در برابری با او بایستند. بعلاوه آنها قادر بودند تا بر تمامی آفرینش کنترل داشته و سرور جهان هستی شده از شادی ابدی و ابدی لذت ببرند.

این برکتی بود از جانب خدا که به آنها گفت تا از پاکی خود محافظت نموده تا بتوانند متمرکز بر برکت او بعنوان فرزندان راستین ازدواج کرده، شوهر و زن راستین شده، فرزندان راستین خود را بوجود آورده و والدین راستین شوند. این موضوع فهم ما را از این فرمان عمیق می‌کند، که آن نه چیزی جدای از اخلاق جنسی مطلق، بلکه اصل آفرینش خدا بود. حقیقت محض که در فرمان خدا در طول تاریخ نهفته بود این بود که در جهت کمال خصوصیات فردی بعنوان فرزندان خدا و نیل به مقام سرور جهان هستی، بشریت باید الگوی اخلاق جنسی—که در ارتباط با ایده‌آل آفرینش خدا امری نهادین است—را به ارث برده و با آن زندگی کند.

دوم، الگوی اخلاق جنسی مطلق در روابط بین شوهر و زن است که همان وفاداری مطلق بوده و باید بسیار با ارزش‌تر از خود زندگی حفظ شود. شوهر و زن زوجهای ابدی هستند که توسط بهشت به یکدیگر پیوند خورده و با صاحب فرزند شدن، آنها یک شریک بعنوان سر چشمه‌ی اصیل مطلق، یگانه، تغییرناپذیر و ابدی در آفرینش عشق راستین، زندگی راستین، و نسب خونی راستین می‌شوند. به این دلیل این یک اصل بهشتی است که انسان حتی اگر هزاران سال زندگی کند، به تنهایی نمی‌تواند صاحب فرزند شود. چطور ممکن است افرادی که با حفظ پاکدامنی قبل از ازدواج، بعنوان زن و شوهر از جانب خدا به هم مرتبط شده‌اند، بتوانند از راه بهشتی منحرف شوند؟ انسان با حیوانات تفاوت دارد، اگر آنها هدف خدا از آفرینش خود بعنوان فرزندان او را درک کنند، بطور طبیعی متوجه خواهند شد که راه اشتباه، راه خیانت و نافرمانی از خالق و رای تصورات ما بوده و راه خرابی و ویرانی است که در آن خود قبرهای خود را حفر می‌کنند. این راه بعنوان یک نتیجه‌ی از سقوط بشر، خارج از حوزه‌ی ایده‌آل آفرینش خدا است.

خانمها و آقایان، اخلاق جنسی مطلق، برکت بزرگی است که خدا به بشریت اعطاء نموده است. بدون پیروی از استاندارد اخلاق جنسی مطلق راه کمال شخصیت فرد، بلوغ روحی او بسته خواهد شد. بعلاوه، بدون تضمین پایه‌ی اخلاق جنسی مطلق در درون یک خانواده راستین از طریق انسانهای کامل، برای او قرار گرفتن در جایگاه خدای با شخصیت و خدای واقعی غیر ممکن خواهد بود. برای اینکه خدای قادر متعال بتواند بر زندگی ما تسلط داشته و در شادی و لذت زندگی با ما سهیم شود، ما کسانیکه بعنوان زوجهای مغولی و فرزندان او بوجود آمده‌ایم، باید بسان او بر اساس استاندارد اخلاق جنسی مطلق، تجسمی از یک خانواده کامل شده بشویم. تنها در درون مرزهای خانواده‌ای که حافظ اخلاق جنسی مطلق است امکان بوجود آمدن روابط حوزه‌ی سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، والدین، فرزندان و نوه‌ها بر پایه الگوی ایده‌آل اخلاقیات روابط جنسی وجود خواهد داشت، همانطور که در اصل قرار بود چنین شود. لطفا بروشنی درک کنید که زندگی ابدی خدا و زندگی ابدی بشر تنها براساس این پایه امکان پذیر خواهد بود.

بنابراین، اگر اخلاق جنسی مطلق حفظ می‌شد، با توجه به خواست خدا، آدم و حوا به کمال فردی یعنی کمال شخصیت دست یافته بودند و از طریق برکت او با وارد شدن به رابطه‌ی عشق زناشویی، می‌توانستند به یگانگی کامل با او نائل آیند. خدا قادر می‌بود تا در هماهنگی آنها ساکن شود و همچنین، فرزندان آنها می‌توانستند به این عشق مقدر شده پیوند حاصل کرده، از ارتباط مستقیم با خدا بعنوان والدینشان لذت ببرند. بعبارت دیگر، ازدواج آدم و حوا کامل شده بر پایه‌ی اخلاق جنسی مطلق، می‌توانست ازدواج خود خدا باشد. خدا آدم می‌شد، حوا خدا می‌شد، آدم و حوا بدن خدا می‌شدند و خدا در قلب آنها ساکن شده، و بطور همزمان بر پایه‌ی اخلاق جنسی مطلق، در هر دو دنیا ی روح و جسم والدین راستین بشریت می‌شد.

آیا می‌دانید که در طول تاریخ بواسطه‌ی سقوط آدم و حوا چه هان (غم و درد) عظیمی در قلب خدا باقی مانده است؟ سقوط رویدادی بود که در آن خدا نسب خونی را از دست داد و همراه با آن اساس برادری بشری را از دست داد و این امر حتی باعث سلب حق مالکیت او بر جهان آفرینش شد. نسب خونی که بسیار مهمتر از حتی زندگی است از دست رفت. یعنی اینکه میوه‌ی زندگی راستین و عشق راستین هرگز به کمال نائل نیامد. به جای آن شش میلیون و نیم انسان روی زمین بدون داشتن هیچ ارتباطی با خدا، میوه و ثمره‌ی شیطان شدند.

خانمها و آقایان، نسب خونی بسیار مهمتر از زندگی و بسیار مهمتر از عشق است. یکی شدن زندگی و عشق برای آفرینش نسب خونی است. در صورت فقدان زندگی (چنین چیزی) امکان ندارد، در صورت فقدان عشق نیز نسب خونی نمی‌تواند تاسیس شود. بنابراین در میان سه کیفیت عشق، زندگی و نسب خونی که تعیین کننده‌ی رابطه‌ی والدین- فرزند هستند، نسب خونی ثمره و نتیجه است. نسب

خونی خدا در برگیرنده‌ی نطفه‌ی عشق راستین بوده و فراهم آورنده‌ی يك زمينه برای زندگی راستین می‌باشد. بنابراین اگر ما به نسب خونی او پیوند بخوریم، انسانهای ایده‌آل مورد نظر خدا یا همان مردمی با شخصیت ایده‌آل شده، خانواده‌های ایده‌آل را بوجود آورده و فراتر از آن، بوجود آمدن موطن خدا، یعنی کشور ایده‌آل، بر پایه‌ی اخلاق جنسی مطلق امکان پذیر خواهد بود و دنیای صلح اینگونه شکل خواهد گرفت

عزیزان، لطفاً اهمیت نسب خونی را در قلبتان ثبت کرده و حفظ نمایید. در مورد اهمیت مطلق نسب خونی هر چقدر هم که توضیح بدهیم باز هم کم گفته‌ایم. این به معنای این است که رابطه‌ی والدین\_فرزند از والاترین و مهمترین روابطها است و الگو و رابطه‌ی نسب خونی بین والدین و فرزند تنها قادر خواهد بود از طریق نسب خونی خدا به ارث گذاشته شده و تا به ابد باقی بماند. شما باید به روشنی بر این نکته واقف باشید.

اما در آن جایگاه عشق کاذب، زندگی کاذب و نسب خونی کاذب کوهی زمین را فرا گرفت و نسب خونی، زندگی و عشق خدا در دستان دشمن عشق، شیطان زناکار افتاد. بهشت و زمین سرکوب شده و به جهنم مبدل شدند و حتی با گم شدن خدا، دنیا به چنین جایگاه حقیر و پستی مبدل گردید. با این همه، انسانها تا به امروز در نادانی نسبت به این موضوع زندگی می‌کرده‌اند. مردم در این اعتقاد اغفال شدند که نسب خونی دشمن، رگ حیاتی است که دنیا به آن متکی است و این حقیقت تصویر مصیبت‌بار انسانهای امروز، یعنی تمامی بازماندگان سقوط می‌باشد. به همین خاطر ما از این دنیا، بعنوان جهنم روی زمین یاد می‌کنیم. در مشاهده‌ی چنین وضعیتی قلب خدا چقدر مملو از درد است؟

علاوه بر این، وقتی به واسطه سقوط، شیطان کنترل حوزه‌ی نسب خونی را بر عهده گرفته، همچنین، حق پسر ارشد و حق مالکیت را نیز غصب کرد. خدا بسان پدری که تمام عمر خود را عرق ریخته تا سرمایه‌ی را برای فرزندان خود اندوخته کند و دزدی همه چیز او را در يك شب می‌دزد. چه کسی می‌تواند قلب دردآلود خدا را درك کند؟ او نسب خونی خود را از دست داد، فرزندان را از دست داد، و تحت فشار مجبور شد تا مالکیت کشورها و دنیا را به شیطان واگذار نماید.

ولیکن زندگی رورند موم با بعهده داشتن وظیفه‌ی تکمیل کردن ماموریت والدین راستین، زندگی اندوهباری است که با شکنجه‌ها و رنج و غذاب غیرقابل توصیفی نشانه گذاری شده است. آدم سوم، والدین راستین باید تمامی شکستهای آدم اول و آدم دوم را از طریق غرامت بطور کامل و ازگون نمایند. این وظیفه‌ی والدین راستین است که نه تنها ماموریت ناجی، مسیح، و سرور در ظهور دوباره، بلکه ماموریت‌های تمامی اشخاص مرکزی برجسته‌ای که مذاهب براساس کار آنها شکل گرفته‌اند را به انجام برسانند.

در مشابهت با کار آفرینش جهان هستی از جانب خدا، زندگی او از کارها و اموری بزرگ برای بازآفرینی بشریت شکل گرفته است که در آن حتی کوچکترین خطاء جایز شمرده نمی‌شود. يك دوره‌ی تنهایی که نمی‌توان آن را با کسی در میان گذاشت. دوره‌ی بیابان پر خار و خسی که او می‌بایست حتی بدون هیچ توجهی از جانب خدا در تنهایی محض آن را طی نماید. او با اینکه بارها و بارها با خون بالا آوردن در موقعیت مرگ و زندگی قرار گرفت، ولی همچنان می‌بایست بسان ققنوس برخاسته و عهد خود را با خدا حفظ نماید.

رورند موم با همه‌ی بیگناهی‌اش برای شش بار مجبور به تحمل زندان شد: بخاطر فعالیت‌هایش در نهضت آزادی در دوران جوانی و در حین تحصیلاتش در کشور ژاپن، بخاطر تبلیغ کلام خدا در شهر پیونگ یانگ<sup>۱</sup> که بلافاصله بعد از آزادی کره تحت تسلط کمونیست قرار گرفته بود، در طی دوران حکومت سیگ من لی<sup>۲</sup>، بدنبال تولد کره بعنوان يك کشور تازه، و حتی در ایالات متحده‌ی آمریکا که به خود بعنوان يك الگو برای دموکراسی در دنیا می‌نازد. چه کسی در دنیا می‌تواند زندگی پر حادثه‌ی رورند موم را درك کند؟ زندگی او يك زندگی مملو از بدبختی بود که می‌بایست برای خاطر خواست خدای سزاوار ترحم و رستگاری انسانهای سقوط کرده که در حوزه مرگ در رنج و عذاب هستند، آن را با زیر دندان گرفتن زبانش تحمل نماید. حتی همین حالا اگر کسی بخواهد تا با مشاهده‌ی قلبم کلامی از روی ترحم عنوان کند، بغض خواهد ترکیب و اشکهایم بسان آبشاری سرازیر خواهند شد.

تنها يك راه برای بازیدست آوردن حوزه‌ی نسب خونی، حق پس ارشد، و حق مالکیت وجود دارد. این راه، راه چیره شدن بر

<sup>۲</sup> پایتخت کنونی کره‌ی شمالی

<sup>۳</sup> اولین رئیس جمهور کره‌ی جنوبی بدنبال آزادی از زیر سلطه‌ی ژاپن

شیطان است. اینکه شیطان بطور داوطلبانه تسلیم شود. راز تکمیل این کار در چیست؟ تنها از طریق قدرت عشق راستین میسر است. وقتی که ما دشمن خود را بیش از فرزندانمان دوست بداریم.

### عشق راستین

در این صورت عشق راستین چیست؟ اساس و پایه‌ی عشق راستین نه گرفتن بلکه دادن، یعنی زیستن برای دیگران و برای خاطر عموم می‌باشد. عشق راستین داده و آنچه را که داده فراموش کرده و بدون توقف به دادن ادامه می‌دهد. عشق راستین با شادی می‌دهد. ما می‌توانیم آن را در شادی و قلب دوستداشتنی مادری بیابیم که در آغوشش برای کودک خود لالایی خوانده و از پستانش به او شیر می‌دهد. عشق راستین، عشقی فداکار است، آنجا که پسری خلع زمانی به بالاترین حد از رضایت نائل می‌آید که به والدین خود کمک کند.

و قتیکه ما در عشق راستین به هم پیوند خورده باشیم، قادر خواهیم بود تا برای همیشه از بودن با هم لذت برده بگونه‌ای که جاذبه‌ی آن تمامی مخلوقات موجود در جهان هستی و حتی خدا را بسوی ما خواهد کشاند. نیرویی که می‌تواند تمامی مرزهای آفریده شده توسط انسانهای سقوط کرده، از جمله مرزهای ملی، مرزهای نژادی و حتی مرزهای مذهبی را برای ابدیت از بین ببرد، ارزش عشق راستین می‌باشد.

خصوصیت اصلی عشق راستین خدا، مطلق، یگانه و تغییرناپذیر بودن آن است، آنچنان که هر کسی که با عشق راستین با خدا زندگی کند، در شادی او سهیم شده و از حق شراکت یکسان در کار او بهره‌مند شود. بدین ترتیب شرط لازم و مطلق برای ورود به پادشاهی بهشتی، "زندگی برای خاطر دیگران" یعنی یک زندگی عشق راستین است.

### دنیای روح واقعی

خانمها و آقایان، ذات جسمی بالاتر از بدن جسمی انسان بوده و بالاتر از ذات جسمی، بدن روحی است و بالاتر از دنیای روح که بدن روحی مقدر به سکونت در آن شده است، جایگاه سکونت خدا است. بنابراین تنها زمانی که با خدا در عشق راستین بطور کامل یگانه شدیم، کامل خواهیم بود. از این دیدگاه، یک انسان کامل ممکن است که فرد کوچکی باشد، اما نماینده‌ی تمامی تاریخ و روابط بالقوه‌ی آینده خواهد بود و بنابراین می‌توان گفت که از ارزشی بی‌نهایت برخوردار است. یکبار که از این ارزش جهانی باخبر بشویم، تشخیص خواهیم داد که زندگی ما باید با هدایت روح و در خدمت به روح باشد.

به این دلیل وجدان ما نه تنها از هر کاری که انجام می‌دهیم آگاهی داشته و آن را به خاطر می‌سپارد بلکه از هر اندیشه‌ای هم که در ذهن ما خطور کرده آگاهی داشته و آن را به خاطر می‌سپارد. وجدان شما قبل از آموزگاران شما قبل از والدینتان یا حتی قبل از خدا از چنین چیزهایی آگاهی دارد. از اینرو اگر قرار بود که شما با اطاعت محض در برابر فرامین وجدانتان بعنوان آموزگار ابدی زندگی کنید، برخورداری از یک زندگی ابدی بطور مطلق برای شما تضمین می‌شد. راه آفرینش خدا چنین است.

و قتیکه از زاویه‌ی دیگری ساختار انسان را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که خدا انسان را بعنوان ماهیتی دوگانه آفریده است. او بدن جسمی را بعنوان نسخه‌ی اصلی دنیای مرئی و جسمی آفریده و بدن روحی را بعنوان نماینده و سرور دنیای نامرئی آفریده است. بر این اساس در نظر گرفته شده تا انسان بمدت یکصد سال در دنیای جسمی زیسته و بدنبال توقف حرکت بدن جسمی، بطور طبیعی و خود به خود به دنیای روح نامرئی برود. در این راه، اگر چه دنیای روح توسط چشمهای بدن جسمی ما قابل رؤیت نیست، اما بخودی خود و بطور اجتناب ناپذیری ادامه‌ی زندگی ما بر روی زمین است، یعنی موطن اصیل و ابدی بشر آفریده شده از جانب خدا است.

همانطور که مشاهده می‌کنید، دنیای روح در واقع وجود دارد. آنجا دنیای وهم و خیال نبوده و یک دنیای فرضی هم نیست. انسان در این مورد حق انتخاب ندارد. دنیایی نیست که اگر خوشمان آمد برویم و اگر خوشمان نیامد، از رفتن به آنجا خودداری کنیم. همانطور که خدا ابدی و تغییرناپذیر است، دنیای روح آفریده شده توسط او نیز ابدی و تغییرناپذیر می‌باشد. درست مثل زندگی ما در دنیای جسمی در قالب بدن جسمی و شکل دادن به تمامی انواع روابط با دنیای جسمی، حتی در دنیای روح نیز مقدر شده است تا ما در بدن روحی خود با شکل دادن و حفظ کردن تمامی انواع روابط نزدیک با تمامی پدیده‌های دنیای روح به زندگی ادامه بدهیم.

## رابطه‌ی بین بدن روح و بدن جسمی

ولیکن، با نگاه به رابطه‌ی بین روح و بدن جسمی انسان می‌توانیم ببینیم که نه بدن جسمی بلکه این روح است که دارای اهمیت بیشتری است. اگر چه بدن جسمی صد سال دوام خواهد داشت اما روح بطور ابدی ورای زمان و مکان بقاء خواهد داشت. هر چقدر هم که فرد در دنیای جسمی يك زندگی تجملی داشته و بخوبی زیسته باشد، سرانجام می‌میرد. بنابراین قبل از ورود به دنیای دیگر، باید با سمت و جهت دادن زندگی زمینی بگونه‌ای که بتوانید با دستیابی به هر دو استاندارد دو دنیای روح و جسم، اتحاد کامل روح و جسم را به واقعیت درآورید.

بعبارت دیگر، شما مسئولیت دارید تا در حین زندگی محدود در دنیای مرئی جسمی وجود روحی‌تان را به کمال برسانید. اما این امر به آن معنا نیست که کمال روحی بطور اتوماتیک شکل خواهد گرفت. تنها براساس دستیابی به اتحاد کامل بین روح و جسم در طی زندگی جسمی از طریق تجربه‌ی عشق راستین، بدن روحی شما می‌تواند بطور کامل بالغ شود.

خانمها و آقایان، برای اینکه میوه‌ها در فصل پاییز برداشت شده و در سبدها جای گیرند، نخست باید با سرپرستی مهربانانه‌ی صاحب باغ و تغذیه آماده شده توسط طبیعت از دوره‌های بهار و تابستان طی طریق کنند. میوه‌هایی که در يك باغ با صاحبی تنبل و نادان به انواع بیماریها مبتلا شده و تحت تاثیر آب و هوای نامطبوع بوده، سرانجام قبل از فرارسیدن فصل برداشت از درختان بر روی زمین خواهند افتاد یا بعنوان میوه‌ی انگلی به حساب خواهند آمد. اگر چه میوه هستند، اما با دیگر میوه‌ها تفاوت دارند چون به اندازه کافی خوب نیستند که بتوان آنها را در بازار به معرض فروش گذاشت.

میوه‌ای که بطور کامل بر روی درخت رسیده باشد، بطور اتوماتیک به انبار صاحب انتقال خواهد یافت. به همین شکل تنها وقتیکه روح فرد در حین زندگی بر روی زمین، در شباهت به درخت، به کمال نائل آمده باشد، قادر خواهد بود تا به طور اتوماتیک به دنیای روح نامرئی، یعنی به پادشاهی بهشتی، برود. بعبارت دیگر يك فرد تنها با کسب صلاحیت و لذت بردن از پادشاهی بهشتی بر روی زمین از طریق برخورداری از يك زندگی کاملاً بالغ در بدن جسمی‌اش، می‌تواند به پادشاهی خدا در دنیای روح وارد شود.

تمامی اعمال و رفتار شما در حین زندگی بر روی زمین، بدون استثناء و بر اساس قوانین عمومی دنیای روح بعنوان استاندارد، در وجود روحی شما ثبت می‌شود. در نتیجه شما براساس وجود روحی خودتان، با ثبت صد در صد زندگی جسمیتان بر روی زمین، وارد دنیای روح خواهید شد. روح شما آشکارا نشان می‌دهد که آیا از يك زندگی خوبی برخوردار بوده‌اید، یا يك زندگی انگلی و فاسد گناهکارانه داشته‌اید. این موضوع به آن معنا است که خدا شما را قضاوت نخواهد کرد، شما خودتان قاضی خودتان خواهید بود. اگر به فرد در مورد این قوانین سخت و تکان دهنده‌ی دنیای روح آگاهی داده شود، آیا فکر می‌کنید که زندگی او در خودخواهی‌ها و فساد اخلاقی، با سقوط به درون تمامی انواع وساوس شیطنی در جستجوی لذات جسمی ختم شود؟ شما باید به قیمت از دست دادن زندگی جسمی‌تان از ضربه زدن و مجروح ساختن وجود روحی‌تان خودداری کنید. لطفاً این حقیقت را به خاطر بسپارید که روانه شدن شما به بهشت یا جهنم به پندار، گفتار و کردارتان در هر لحظه بستگی دارد.

با اینحال، در درون شما، وجود بیرونی و وجود درونی بطور غیرقابل انکاری در يك کشمکش و ناسازگاری درگیر هستند. تا کی اجازه خواهید داد تا این جنگ و ناسازگاری ادامه پیدا کند؟ ده سال؟ صد سال؟ در عین اینکه نظم انکار ناپذیری برای تمامی موجودات جهان هستی وجود دارد. این امر نشان دهنده‌ی آن است که خدا ما را در این وضعیت بی‌نظمی و ناسازگاری بوجود نیاورد. باید بدانید که شما دارای این وظیفه و مسئولیت انسانی هستید که تمامی وساوس جهت گرفته بسوی وجود بیرونی یا بدن جسمی خودتان را از بین برده و در زندگی با تبعیت از وجود درونی یا وجدانتان به پیروزی نائل شوید. بخت و اقبال بهشتی با کسانی خواهد بود که زندگی‌شان را در چنین مسیری سوق داده‌اند، آنها به کمال وجود روحی خود نیز دست خواهند یافت.

## پادشاهی بهشتی و خانواده

خانمها و آقایان، بهشت چگونه جایگاهی است؟ بطور خلاصه، بهشت دنیایی مملو از عشق راستین خدا است، عشق راستین محور آن است، عشق راستین چه در اندیشه‌های درونی و چه در ابراز احساسات بیرونی، در همه جا هست، زندگی همگان از آغاز تا به پایان لبریز از عشق است. مردم بهشتی بواسطه‌ی عشق راستین بدنیا آمده، در آغوش عشق راستین زیسته و تا زمان ورود به دنیای بعدی یعنی دنیای روح از راه عشق راستین پیروی می‌کنند.

در نتیجه در هیچ نقطه‌ای از آن دنیا نمی‌توان خصومت و حسادت را مشاهده کرد، بلکه در آن مردم بطور طبیعی برای

خاطر یکدیگر زندگی می‌کنند. آن دنیا، دنیای تحت کنترل پول و مقام و قدرت نیست. در بهشت موفقیت فرد نماینده‌ی موفقیت عموم است، علاقه‌ی فرد نماینده‌ی علائق همگانی است و شادی فرد نماینده‌ی شادی همگانی است.

بهشت دنیای مملو از هوای عشق است، جایی که همگان عشق تنفس می‌کنند و زندگی آنها در هر جا و در هر زمانی با عشق می‌تپد. شهروندان بهشتی بواسطه‌ی عضویت همگانی در نسب خونی خدا، همه به تمامی به یکدیگر مرتبط هستند. آنجا دنیایی است که در آن، بسان سلولها در بدن جسمی ما یک رابطه‌ی نامرئی موج می‌زند. عشق راستین یعنی عشقی که اساس وجود خدا است، تنها قدرت حاکمیت او است. بر این اساس خدا نیز برای خاطر عشق راستین می‌زید.

خانمها و آقایان، اکنون شما باید یک زندگی شیفته‌ی عشق راستین را پیش گیرید. باید یک زندگی را پیش گرفت که در آن خدا را بیشتر از آدم و حوا، بیشتر از عیسی دوست بدارید. شما با تحقق کامل عشق راستین، باید روح و جسم خودتان را متحد ساخته و با هر کسی در اطرافتان روابط عشق راستین بوجود آورید. بعبارت دیگر، بواقعیت درآوردن یک خانواده‌ی راستین بر روی زمین، جایی که اینگونه والدین راستین، برادر و خواهر راستین و فرزندان راستین، لااقل در قالب سه نسل با هم متمرکز بر عشق راستین زیسته و (به دنیای روح) وارد می‌شوند، پادشاهی بهشتی خوانده می‌شود.

### **یک خانواده‌ی متشکل از سه نسل، که در هماهنگی با هم زندگی می‌کنند**

در حین اینکه شما در پی خانواده‌ی اصیل از دست رفته هستید، باید در مقام آدم کامل، در مقام عیسی و همینطور در مقام سرور در ظهور دوباره قرار گیرید. آن خانواده جایگاه سکونت خدا بود. در آن خانواده سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزندان در هماهنگی خواهند زیست. در آنجا باید در ملازمت به پدربزرگ در مقام نماینده‌ی ریشه‌ی تاریخی اجدادمان زندگی کنیم.

خانمها و آقایان، خانواده الگوی زیستن با یکدیگر است. لانه‌ی زیستن همراه با عشق و احترام بین والدین و فرزندان، عشق و وفاداری بین شوهر و زن، اعتماد و اتکاء بین برادران و خواهران، همین خانواده‌ی الگو و ایده‌آل خوانده می‌شود. این نکته به این معنا است که شما باید خانواده‌ی راستینی را تاسیس کنید که در آن با ریشه دواندن عشق راستین، ساقه‌های عشق راستین جوانه زده و به میوه می‌نشینند.

در چنین خانواده‌هایی ریشه‌ی تاریخ زیسته و پادشاهی بهشتی ریشه می‌دواند. جایگاه ریشه گرفتن پادشاهی بهشتی بر روی زمین، چنین خانواده‌هایی است. آنجا همینطور جایی است که ریشه‌ی پادشاهی بهشتی در آن برای ابدیت استقرار می‌یابد. پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزندان، نماینده‌ی ریشه‌ی گذشته، حال و آینده هستند. ریشه‌ی گذشته نماینده‌ی دنیای روح، ریشه‌ی حال قصر پادشاهی نماینده‌ی دنیای امروز است، و ریشه‌ی آینده پسران و دختران بعنوان شاهزاده و شاهدختها می‌باشد و ما با تاسیس چنین خانواده‌هایی، قصر صلح، نماینده‌ی هماهنگی دو دنیای روح و دنیای جسم را برپا می‌کنیم.

باید بدانیم که در این حالت، سه نسل پدربزرگ و مادربزرگ، والدین و فرزندان باید در قالب یک خانواده با یکدیگر در ملازمت به خدای ابدی زیسته و خانواده‌ی چنان ایل گوگ مورد نظر خدا را، بعنوان جزئی از مسئولیت‌هایمان بعنوان ناجیان قبیله‌ای و سفیران صلح تاسیس کنیم.

خانمها و آقایان، شما باید خانواده‌هایی را برپا کنید که خدا در صورت دوری، با دل‌تنگی در آرزوی بازگشت به آن باشد. بسان هر والدینی در دیدار از فرزندانش، او باید از دیدار با خانواده‌ی شما احساس آرامش داشته باشد. این به معنای زیستن در ملازمت به خدا است.

خدا در چنین خانواده‌ای، فاعل عمودی وجدان شما شده، و وجدان شما در تبعیت از آن فاعل، خود فاعل عمودی بدن جسمی شما شده و اتحاد روح و جسم را به ارمغان می‌آورند. در چنین جایی می‌توان عشق والدینی، عشق زناشویی، عشق فرزندی، عشق برادری و خواهری، یعنی همان چهار حوزه قلب را مشاهده نمود. آن خانواده تمامی جهات—بالا و پایین، جلو و عقب، راست و چپ—را به هم مرتبط ساخته و آنها در یک حرکت دورانی برای ابدیت بدور هم می‌گردند. این خانواده‌ی ایده‌آل الگو و ابدی خدا است که در قالب کشورهای ایده‌آل الگو و پادشاهی صلح آمیز او گسترش خواهند یافت. اگر تمامی دنیا از چنین خانواده‌هایی پر شده باشد، آنجا دنیای منظمی خواهد بود که در آن مردم بدون هیچ نیازی به وکیل، دادستان و یا حتی قاضی، از طریق راه بهشتی و قوانین بهشتی هدایت خواهند شد.

## برکت ازدواج بین مردم با فرهنگهای مختلف

خانمها و آقایان محترم، بندگی ما به نسب خونی شیطان، مسبب رنج و عذاب ما در تمامی طول تاریخ بوده است. ما برای از بین بردن آن باید با سرسختی به پیش تاخته و به ریشه‌ی نسب خونی والدین راستین پیوند بخوریم. دیگر بیش از این نباید احمقانه بسان درختان زیتون وحشی به زندگی ادامه داده و بمیریم. یک درخت زیتون وحشی هزاران سال هم که زندگی کند تنها بذره‌های درختان زیتون وحشی بیشتری را تکثیر خواهد کرد. در این صورت در کجا می‌توان راهی برای گریز از وابستگی به درختان زیتون وحشی یافت؟

دریافت برکت ازدواج از جانب والدین راستین، که با نسب خونی راستین ظهور نموده‌اند، همان پیوند خوردن به درخت زیتون راستین می‌باشد، زیرا بدون تغییر نسب خونی، نمی‌توان نطفه را تغییر داد. اما برکت مقدس در سه مرحله‌ی تولد دوباره، رستاخیز و زندگی ابدی دریافت می‌شود. بهترین راه، ازدواج بین فرهنگها با دریافت برکت مقدس از جانب والدین راستین، دریافت نطفه پاک، تشکیل خانواده‌ی ایده‌آل و تولد دادن به فرزندان پاک و بیگناه می‌باشد.

این ازدواجها در جهت انجام وظیفه‌ی بسیار مهم رفتن به ورای مرزهای نژادی، فرهنگی، قومی، مذهب و اخلاقیات و آفرینش یک خانواده‌ی بشری سهم بسزائی دارند. در دید خدا هیچ تفاوتی در رنگ پوست (در نژادهای مختلف) وجود ندارد. او مرزهای ملی را برسمیت نمی‌شناسد، در دیدگان او مرزهای مذهبی و فرهنگی را نمی‌توان دید. اینها جز حقه‌های شیطان—که بعنوان والدین کاذب دهها هزار سال بر بشریت حکمرانی کرده است—چیزی بیش نیستند.

شما مأموریت دارید تا به اعضای خانواده و قبیله‌تان آموزش بدهید که برکت ازدواج مقدس بین افراد از فرهنگهای متفاوت بر روی زمین، راه نهایی برای تاسیس دنیا‌ی ایده‌آل صلح‌آمیز است. خانواده‌ها و قبایل شما همه باید به حوزه‌ی برکت ازدواج مقدس بپیوندند.

خانمها و آقایان، اکنون موقعیت شما تغییر کرده است. اکنون راه برای شما به گشادگی باز است تا از طریق مراسم شربت مقدس بنیان نهاده شده توسط والدین راستین نسب خونی را تغییر داده و خانواده‌های راستین را بنا کنید.

به این خاطر تمامی بشریت باید با شرکت در این مراسم برکت ازدواج بین فرهنگها در سطح جهانی نسب خونی خود را تغییر بدهند، بعلاوه این ازدواج به افراد هابیلی نزدیکتر به حوزه‌ی الهی، توانائی می‌دهد تا جایگاه هابیلی برادربزرگتر یعنی نظم اصیل را بنا کنند.

مراسم برکت ازدواج مقدس بین فرهنگها بهترین راه برای بازسازی بشریت در نیل دوباره به مقام فرزندان خدا است. این مراسمی است که تمامی بندهای عداوت و کینه را از بین برده و بعد تازه‌ی نسب خونی بهشتی را می‌آفریند. این یک مراسم و تشریفاتی مقدس برای تغییر نسب خونی است که خدا در جهت هدایت مشیت الهی بر روی زمین، از طریق والدین راستین، پادشاه و ملکه‌ی صلح و تجسم واقعی خدا—به انجام می‌رساند.

## والدین راستین و پروژه‌ی صلح

خانمها و آقایان، اجازه بدهید تا با استفاده از این فرصت حاصل آمده از نشست عمومی امروز بعنوان نقطه‌ی اوج تاریخ مشیت الهی، بر پیشنهاد خودم برای یک پروژه‌ی برآستی انقلابی و مشیت شده تصریح کنم. در جهت تاسیس پادشاهی صلح، هدف نهایی مشیت الهی برای خدا و بشریت و همینطور در جهت تاسیس سرزمین خدا و زادگاه اصیل، پیشنهاد می‌کنم تا یک گذرگاه برای عبور و مرور بر روی تنگه‌ی برینگ—جائیکه شیطان بطور تاریخی شرق و غرب و شمال و جنوب را از هم جدا ساخته است، جاییکه سرزمینهای گسترده و پهناور آمریکای شمالی و سیبری از هم جدا شده‌اند—بنا کنیم. با تکمیل "تونل-پل پادشاه صلح" بعنوان پیوند دهنده‌ی سیستم بزرگراه بین‌المللی، مردم این رخصت را خواهند یافت تا با استفاده از اتومبیل در تمامی دنیا بر روی زمین، از دماغه‌ی امید در آفریقا تا سانتیاگو در شیلی، از لندن تا نیویورک، سفر کرده و از دنیا یک اجتماع واحد زندگی بسازند.

خدا به ما اخطار می‌دهد که دیگر جدایی و چند دستگی را نمی‌پذیرد. انجام این پروژه تمامی دنیا را بعنوان یک دهکده به هم پیوند می‌زند. این پروژه دیوارهای نژادی، فرهنگی، مذهبی و کشوری ساخته‌ی دست انسان را فروریخته و دنیا‌ی صلح، آرزوی گرمی خدا را برپا خواهد کرد.

ایالات متحده و شوروی یکی خواهند شد. قاره‌ی اروپا، چین، هند، ژاپن، برزیل و تمامی کشورها و همچنین تمامی دنیا‌ی مذاهب می‌توانند نیرو و انرژی خود را برای انجام موفقیت‌آمیز این پروژه یکی کنند. موفقیت این پروژه یک امر بسیار سرنوشت‌ساز در تاسیس



پادشاهی صلح است که در آن مردم هرگز با یکدیگر جنگی نخواهند داشت.

### فرارسیدن پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز

رهبران و سفیران صلح محترم از تمامی سطوح زندگی، شما اکنون در يك دوره‌ی زمانی متبرك و والای تاریخ زندگی می‌کنید. عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی فرارسیده است. من آغاز بهشت تازه و زمین تازه، یعنی عصر "پادشاهی دنیای ایده‌آل و صلح‌آمیز" را اعلام می‌کنم، چیزی که میلیاردها نفر از اجداد شما در دنیای روح که قبل از این بر روی زمین آمده و رفته‌اند، برای مدت‌های بسیار در انتظارش بوده‌اند. چهار مؤسس بزرگ مذهبی و البته میلیاردها نفر از اجداد خوب شما برای راهنمایی شما در مسیر بهشتی به روی زمین آمده‌اند. عصری که در آن دنیای فاسد و سقوط کرده انسانها را به تباهی کشانده و به مردم پلید اجازه می‌دهد که بهتر از دیگران زندگی کنند، سپری می‌شود.

هدف نهایی همگی ما یافتن و تاسیس آن کشور و آن روابطی است که در آن بتوان در ملازمت به خدا در مقام مرکزی زندگی کرد. آن کشور چگونه کشوری است؟ آنجا پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز یعنی کشوری است که تجسم يك خانواده‌ی راستین همراه با سه نسلی است که با هم در هماهنگی، اعتماد، احترام و حمایت از یکدیگر زیسته و در عشق یکی می‌شوند. عبارت دیگر، آن کشور جایی است که بشریت در تمامی اعصار در آرزوی آن بوده، یعنی همان مدینه‌ی فاضله‌ی مورد نظر برای حاکمیت خدا است.

این نکته به این معنا است که ما به يك نهضت برای تحقق يك جامعه‌ی بر اساس همبستگی، کامیابی متقابل و ارزشهای جهان شمول نیاز داریم، که از خانواده آغاز می‌شود. بنابراین لازم است تا ما با فروریختن دیوارها در قلبهایمان و حتی با از بین بردن مرزهای ملی، خانواده‌ی راستین را برپا نموده تا بتوانیم برای تاسیس پادشاهی فدراسیون صلح جهان شمول مشیت شده بر روی زمین به پیش برویم.

در خاورمیانه بعنوان، یکی از انبارهای باروت دنیا، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان منابع و ابتکاراتی را در فلسفه‌ی صلح من یافته‌اند که در بعد تازه‌ی گفتگوها بکار گرفته شده‌اند. در دهه‌های گذشته "اندیشه‌ی هماهنگ" نقش بسزایی در پایان دادن به جنگ سرد داشته است. اکنون من با موفقیت تلاشهای پشت صحنه برای اتحاد دوباره‌ی کشور زادگاهم کره را رهبری می‌کنم. اما من هنوز راضی نیستم، زیرا زندگی‌ام را با فرمان خدا آغاز کرده‌ام. من بعنوان والدین راستین بشری، تدهین شده از جانب خدا آمده و مصمم هستم تا عهد خود را در برابر او به انجام برسانم. من برآنم تا تمامی مرزهای جدایی ملی که کره‌ی زمین را مسموم ساخته محو کرده و پادشاهی دنیای ایده‌آل صلح‌آمیز را بنا کنم، جایی که در هر گوشه‌ی آن تمامی مردم قادر خواهند بود تا دست در دست یکدیگر زندگی کنند.

### ماموریت ما

عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی، که خدا و والدین راستین آن را گشوده‌اند، يك دوره‌ی زمانی همراه با تغییرات مهیجی است. شما ماموریت دارید تا این عهد را شکوفا ساخته و در برکت و شکوه به میوه برسانید. بنابراین لطفاً ماموران مخفی بهشتی بشوید که ماموریت دوگانه‌ی "نیروی پلیس پادشاهی صلح" و "پاسداران پادشاهی صلح" را به انجام برسانید، و تحت پرچم فدراسیون صلح جهانی به بشریت خدمت نمایید که در این مراسم اولین سالگرد افتتاح آن، نقش سازمان ملل نوع هابیلی را در سطح جهانی بعهده می‌گیرد. بجز شما دیگر چه کسانی می‌توانند خانواده‌های برکت گرفته و این کره‌ی متبرك زمین را که خدا به ما ارزانی داشته است، مورد حمایت و حفاظت قرار خواهند داد؟

خانمها و آقایان، من گفتم که عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی عصری است که ما در آن باید با دریافت برکت ازدواج از جانب والدین راستین، نسب خونی راستین از دست رفته در زمان سقوط آدم را بازسازی کنیم. عصری است که در آن مشیت برکت باید از طریق پنج مرحله‌ی فردی، خانوادگی، قبیله‌ای، نژادی و ملی به انجام برسد. بیایید تا در این راه، با بازسازی و تاسیس خانواده‌ی سه نسل ایده‌آل در سطح دنیا، ماموریت الهی خود را بعنوان خانواده‌های برکت گرفته در عصر بعد از ظهور پادشاهی بهشتی به انجام برسانیم. عیسی بر روی زمین ظهور نمود و قبل از رفتن به دنیای روح در پی انجام همین هدف مشابه بوده است.

بنابراین من اکنون تمامی ناجیان قبیله‌ای و ناجیان ملی را در جهت اتحاد و همچنین پایان دادن به روابط نادرست بین حوزه‌ی سیاسی، نماینده‌ی حوزه‌ی قبیله‌ای، و حوزه‌ی مذهبی، نماینده‌ی حوزه‌ی هابیلی را هدایت می‌کنم. من با این خواست مشیتی در ذهن و

فکر، اعلام می‌کنم که دومین "قصر صلح چان جانگ گون" برای حوزه‌ی مذهبی در شهر ژنو در کشور سوئیس—شهری با اهمیت تاریخی در ارتباط با روابط حوزه‌های سیاسی و مذهبی—بنا شود.

فدراسیون مردم مغول در برگزیده‌ی هفتاد و چهار درصد از جمعیت جهان نیز باید این نکته را به خاطر بسپارد که در این عهد مشیت شده‌ی کنونی، با بازسازی دنیا از طریق دادن برکت، وظیفه‌ی خود را به انجام رسانده و به درگیریهای قابیل و هابیل که با اولین خانواده‌ی بشری آغاز شد، پایان بدهد.

خانمها و آقایان، آن دوره‌ی زمانی مشیت شده فرا رسیده است که متمرکز بر مادر دو برادر، هابیل و قابیل یگانه شده و با بازسازی مقام اصیل خود، آنها باید خود را برای بازسازی خانواده‌ی ایده‌آل اصیل در برابر والدین راستین یعنی پادشاه و ملکه‌ی صلح جهانی وقف کنند. لطفاً این نکته را در قلبتان حک نموده و ثبت نمایند که شما در دوره‌ی زمانی زندگی می‌کنید که در آن خدا به شما ماموریت می‌دهد تا از طریق بازسازی خانواده‌ی ایده‌آل و راستین، حوزه‌ی عشق برادری و خواهری و حق مالکیت—که بواسطه‌ی سقوط اجداد بشری در اختیار شیطان قرار گرفته بود—را به پیشگاه خدا پیشکش کنید.

لطفاً شاهزاده و شاهدخت‌هایی بشوید که در ملازمت به خدا، پادشاه صلح میلیاردها انسان، در مقام والدین راستین خود زیسته و در ملازمت به والدین راستین، پادشاه و ملکه‌ی صلح آزادی کامل (از بندهای درونی) و رهایی کامل (از بندهای بیرونی)، آن پادشاهی ابدی صلح را بنا کنیم که در آن بدون هیچ نیازی به نجات دهنده، مسیح یا ظهور دوباره، وظیفه‌ی راه خانواده‌ی فرزندان خلف، میهن پرست، مقدسین و پسران و دختران الهی خدا را به انجام خواهیم رساند.

بیاوید با انجام این امر، پیروزی والدین راستین، یعنی کمال بازسازی از طریق غرامت حوزه‌ی سه نسل را از جانب والدین راستین به ارث برده و دنیای اصیل قبل از سقوط را به کمال برسانیم.

بیاوید تا برای به ارمغان آوردن استقرار کامل حوزه‌ی ایده‌آل جهانی آزادی کامل (از بندهای درونی) و رهایی کامل (از بندهای بیرونی)، با برپا داشتن خانواده‌های ایده‌آل الگو و ترویج صلح و کامیابی مطلق، یگانه، تغییرناپذیر و ابدی، یک پادشاهی خوبی، موطن صلح‌آمیز جهانی را بنا کنیم که برای ابدیت مورد ستایش قرار خواهد گرفت. برکات خدا همواره شامل حال خانواده و کشور شما و تمامی دنیا باشد.

متشکرم